



Anthony Squires

*An Introduction to the Social and Political Philosophy of Bertolt Brecht: Revolution and Aesthetics*

Rodopi, Amsterdam, 2014. 187pp., €42 / \$59 pb

[ISBN 9789042038998](https://www.rodopi.nl/ISBN-9789042038998)

Reviewed by Norman Roessler

<http://marxandphilosophy.org.uk/reviewofbooks/reviews/2015/1806>

مقدمه ای بر فلسفه اجتماعی و سیاسی برتولت برشت: انقلاب و زیبایی شناسی

آنتونی اسکیرز

رودوپی، آمستردام، 2014، 187، €42 / \$59 دلار

[ISBN 9789042038998](https://www.rodopi.nl/ISBN-9789042038998)

مرور کننده: نورمن روسلر

ادبیات روشنفکری سنتی توانسته برشت را در قالب مدرنیست، مارکسیست، شاعر، تئاترنویس، و نظریه پرداز زیبایی شناسی جای دهد اما انتساب وی به فلسفه و تئوری سیاسی به این آسانی ها امکان پذیر نخواهد بود. این گفته، نظر نورمن روسلر، ادیتور سابق مجله *ی کامونیکیشن* ارگان انجمن بین المللی برشت است. با اینهمه آنتونی اسکیرز در نخستین مونوگراف عالمانه ی خود، این وظیفه ی سنگین، دشوار و طاقت فرسا را عهده دار شده و همچنانکه خود نیز قبول دارد تلاش وی نخستین گام در این مسیر، و سرآغاز راهی طولانی است. جای آن دارد از اسکیرز به خاطر جسارت و عدم ترس از وارد شدن به وادی ناشناخته قدردانی کرد زیرا اقدام وی، گامی بسیار ضرور در کشف حلقه ی گمشده ی تحقیقات علمی در خصوص آفرینش های برشت بشمار می رود.

تاکنون آثار زیبایی شناسانه ی برشت را عموماً از زاویه ی نظریات سیاسی، فلسفی و تئوریکي شناخته بودیم. برشت را کمپانی های تئاتری و دانشکده های تئاتر دانشگاهها، به یکسان ارج می نهادند زیرا وی یکی از معدود هنرمندانی است که آثارش ضمن برخورداري از استحکام لازم برای مقاومت در برابر زیبایی شناسی سرگرم کننده ی رمانتیک، دارای توان کافی برای رقابت با سلطنت تئوری سیاسی و فلسفه نیز، است. برشت در عین حال بیش از هر هنرمند دیگر، آثار فلسفی و مختلف منجمله کارهای مطبوعاتی، دیالوگ، شعر و مقاله که اغلب آنها در زمان تئوریکي زیادی در زمینه ها و ژانرهای زنده بودن اش منتشر نشده بودند، خلق کرده است که بتدریج به رزومه کاری وی در زمینه ی تلاش های فلسفی و نظریه سیاسی اضافه شده اند. به گفته ی اسکیرز، بررسی آثار متاخر برشت، وی را به این موضوع هدایت نموده که چرا پیشتر از این برشت به مثابه فیلسوف مطرح نشده است؟ اسکیرز اعتقاد دارد مشکل اساساً مربوط به مفسرین برشت است (عمدتاً ادبیات) که بعد از مرگ وی در سال 1956 بیشتر به جنبه ی شاعری وی تاکید داشته اند / آلمانی ها و منتقدین تئاتر.

اسکیرز می گوید وجوه فلسفی و سیاسی نوشته های (1930 خصوصاً به خاطر مباحث مربوط به رئالیسم و فرمالیسم دهه ) برشت در ابهام باقی ماندند. خصوصاً این امر در نوشته های نسل نخست متفکرین انگلو- آمریکایی، خصوصاً آثار اریک بنتلی، مارتین اسلینو و جان ویلت صادق است. بنتلی و اسلینو تمام تلاش خود را بکار بردند تا با دفرمه کردن آثار برشت و زدودن مفاهیم مارکسیستی از آنها، نوشته های وی را با ذائقه آمریکاییهای پس از جنگ سازگار کنند. مورد ویلت اما، قدری که برخلاف نوشته های غیر (برشت در تئاتر: *بلوغ زیبایی شناسی*) (1964) پیچیده تر است. خصوصاً به خاطر آنتولوژی سیاسی و بی خاصیت ادبی بنتلی و اسلین آثار تئوریکي برشت را به جامعه ی آمریکایی معرفی نمود. این اثر امروزه هم دارای اعتبار فراوان است بطوریکه اسکیرز بارها و بارها به آن مراجعه کرده است. ویلت بر انکشاف مداوم سیستم زیبایی

شناسی در آثار برشت علیرغم اینکه وی هیچگاه مستقیماً به تئوری زیبایی‌شناسی اشاره نکرده، تاکید دارد. در عین حال او آثار تئوریک برشت را به عنوان فلسفی و سیاسی صرف به حساب نمی‌آورد. اینجا گفته می‌گردد که به خاطر می‌آید که می‌گفت: «مسئله ساختن فیلم سیاسی نیست بلکه سیاسی ساختن فیلم است» آنتولوژی‌های جدید از مارس سیلبرمن، نوشته تام کوهن، لورا برادلی و استیو گیلز، نوشته‌های برشت در باره هنر و (2000)های برشت درباره فیلم و رادیو، تام کوهن، استیو گیلز و مارک سیلبرمن، نوشته‌های برشت در باره نمایش: مسینگ آف و کتابهای مدل (2003) سیاست‌های جملگی تلاش‌هایی انتقادی و اصلاحی برای پرکردن کاستی‌های موجود در کتاب ویلت هستند. از نظر اسکیرز اما (2014) سنت فرمالیستی تا امروز تداوم داشته است. وی برای اثبات نظر خود به آثار شوکمن و گالیسو اشاره می‌کند.

به نظر می‌رسد توجه اسکیرز به سنت نقد و چشم‌پوشی از سنت مدرسی آلمان در باره هنر برشت، خصوصاً آثار راینهارد اشتاینوگ و هانس-تیس لهن در مورد «تئاتر پست دراماتیک» تا حدودی غیر ارادی باشد. با اینهمه اسکیرز به مشکلات بررسی ارتباط آثار برشت با کاتگوری‌های سیاسی و فلسفی معترف است. وی نه تنها مجبور می‌شود روایت‌های سیاسی و فلسفی برشت را به صورت موزائیکی کنار هم بچیند، بلکه از سوی دیگر لازم است به سنت انتقادی که واری‌مواضع سیاسی و اعتقادی نقش بازی می‌کند فایق آید. با اینهمه اما، اسکیرز در دو زمینه برای پروژه‌های مورد نظرش منابع کافی زمینه‌ی نخست اثرات انتقادی محققین برشت گرا همچون دارکو سوین، آنتونی تاتلوف، استیو گیلز و آسترید پیدا نمی‌کند اوسمن (باید مارک سیلبرمن را هم در گروه جای داد) است که اغلب رویکرد مطالعات فرهنگی را پیشه خود ساخته‌اند و در درک برشت به مثابه هنرمند تئاتر و فیلسوف سیاسی، اجتماعی خیلی راحت بوده‌اند. زمینه‌ی دیگر، در سنت تئوری اسکیرز بیشتر. انتقادی شامل اندیشمندانی همچون، بنیامین آرنو، لوکاچ، آرنو، سارتر، بارت، ایگلتون، و جیمسون است تحت تأثیر بارت، سارتر، و جیمسون بوده است اما متأسفانه اشاره‌ای به انتقاد از برشت از سوی آرنو، لوکاچ و آرنو نمی‌کند. این نویسندگان با تاکید بر آثار استنیک برشت، او را فاقد فلسفه‌ی سیاسی و اجتماعی می‌دانند و نوشته‌های غیر ادبی وی را بیهوده و لغو حساب می‌کنند.

اسکیرز پس از این زمینه‌سازی لازم و ضرورمونوگراف خود را به شش بخش تقسیم می‌کند: سه فصل نخست اصلاً تئوریک هستند و سه فصل دیگر، شامل بررسی انتقادی متون برشت است. فصل دو اخلاق پراکسیسی برشت و مفاهیم مارکسیستی مثل (الیناسیون، تضاد، متد دیالکتیکی) در رابطه با پراکسیس را دربر می‌گیرد. فصل سه خود آگاهی در نظم فصل چهار تحت عنوان: «تضاد و تقلیل» آثار گرامشی، بارت و سارتر را می‌آورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پنجم «آدم خوب سزوان» را در پرتو هویت شکننده و آنتولوژی اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌دهد. در فصل با رجوع به دیالکتیک روشنگری مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. فصل هفت با ارجاع به «ششم بازخوانی اثر تئاتری» گالیله «درباره تضاد» مائو تسه دون، خوانشی از بهره‌گیری برشت از کوریولانوس شکسپیر عرضه می‌کند. من فصول سه، چهار و شش را بهترین و قویترین فصل‌های کتاب می‌دانم در حالیکه فصول دو و هفت علیرغم ظاهر انتقادی از استحکام فصول گفته شده برخوردار نیستند.

بباید فصل سه را به عنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. اسکیرز در این فصل با توانمندی کامل اثر جامعه‌شناختی اویاتار زروباول و هارولد گارفینکل را در رابطه با خودآگاهی اجتماعی به مثابه‌ی روشی برای تمایز تئاتر اپیک برشت از پوئتیک سنتی ارسطو مورد بررسی قرار می‌دهد. ارسطو در پوئتیک ایده‌ی خوانش ارگانیک و طرح دراماتیک را عرضه می‌کند (یا حداقل بطور سنتی اینگونه استنباط می‌شود) که بیان استنیک انسانی را به نظم طبیعی اشیا پیوند می‌زند. به این ترتیب از سوفوکل تا سوپرمین همین خط‌طولی، آنتولوژیکی از طریق قصه، شخصیت و ایده‌پیگیری می‌شود زیرا اثر زروباول و گارفینکل خاطر نشان می‌شود. روش عرضه‌ی جسم و ذهن موجود، در هماهنگی با عالم هستی بشمار می‌رود کند که نظم موقتی، ساختار بشری است که اساساً تاریخی است اما همواره در جوامع انسانی به شکل واقعیت موجود و جهانشمول نشان داده می‌شود. و هرچیزی که به شکل عام و عقل سلیم بشری درآید، در عین حال به چیزی غیرقابل بحث تبدیل می‌شود. تئاتر اپیک برشت با این نظم موقتی اجتماعی طبیعی شده سروکار پیدا می‌کند و می‌کوشد آن را در سطح قصه، شخصیت، ایده، فضا، بازیگر و تماشاگر بگسلد تا به این وسیله بتواند ریفیکاسیون را در کانتکت فرهنگی عملیاتی کند. به واسطه‌ی تأثیرات الیناسیون و پوئتیک دیالکتیکی، نوشته‌های ارسطویی مشکل‌آفرین‌اند، زیرا آثار تئاتری و هنری ضمن تفکرانگیز بودن، جهان را از طریق بازآفرینی و بازنمایی قابل‌تغییر هم می‌کنند.

نتوانسته این موضوع عالی تئوریک را با توجه به پراکسیس «شوربختانه» اسکیرز نه تنها علیرغم خوانش «شهامت مادر برشتی آثار استنیک»، حل کند بلکه صرفاً به متون تئوریک برشت بسنده کرده است. از آنرو که وی در فصول بعدی عمدتاً با

خوانش نمایشنامه های برشت مشغول شده این کوتاهی را می توان نادیده گرفت. با اینهمه به نظر من اسکیرز با طرح جنبش برشت به مثابه ی فیلسوف»، به موضوع بسیار مهمی انگشت گذاشته است. در این جنبش با بازنمایی تئوری و پراکسیس « در کانتکست حیاتی، ضرورت دارد برشت را هم سقراطیزه کرد. برشت را در زمینه ی فلسفه و تئوری سیاسی، نمی توان یا /یا ارزیابی کرد بلکه ضرورت دارد وی را هم/هم به حساب آورد. اینکه چگونه باید اینکار را انجام داد، من نمی دانم. این اسکیرز است که باید راه حلی ارائه کند چون او فصل مربوطه را با طرح جنبش عظیم برشتی به پایان برده است. در حقیقت اسکیرز در ارائه راه حل با نقل قول ها و تفسیرهای قوی کاملاً موفق شده و برشت از این بابت باید به خود ببالد. نتیجه گیری های وی ممکن است پرفسورها و اساتید دانشگاه را از کوره بدر کند. اگر چنین اتفاقی رخ بدهد اسکیرز کاملاً در هدف خود موفق بوده است. زیرا پرفسورها، عالمان ادبیات، فرمالیست ها و بطور خلاصه شیفتگانی که برشت آنها را « نویس» می نامد و عوامل اجرایی فنتیشیسم کالایی در تئاتر آموزشی بشمار می روند، می خواهند حوزه ی عمل را به نفع تئوری از میان ببرند.

به نظر من اگر اسکیرز همچنان به تلاش خود در راندن برشت به داخل چارچوب فلسفه و تئوری سیاسی ادامه دهد لازم است دو موضوع را به این مدل آنالیتیک عرضه شده در این فصل بیافزاید. نخست، یافتن نقاط ارتباطی که بتواند فلسفه و تئوری سیاسی را آشتی دهد. در این خصوص موضوع خودآگاهی موقتی بسیار اهمیت دارد که اسکیرز را مجبور می کند از اگر اسکیرز. زروبول به لوکاچ، داروین و ارسطو مراجعت نماید اما مارکس حلقه ی مفقوده ی این جمع باقی می ماند برشت را در ارتباط با مارکس به گذشته ها می برد آنگاه در یافتن ارتباط میان دیسکورس سنتی فلسفه و تئوری سیاسی البته بخش هایی که به موضوعات « فنتیشیسم کالایی»، « روز کاری»، و « تقسیم کار» پرداخته اند. موفق تر عمل می کرد و نیز بخش های مربوط به کار و الیناسیون در ایدئولوژی آلمانی و دستنوشته های اقتصادی 1844، کاملاً به این موضوع یاری رسانده اند و با مهندسی معکوس به هگل، کانت، اسمیت، لاک، دکارت، افلاطون و هگل مراجعت نموده اند.

دیگر اینکه، نمایش های آموزشی می توانند به مثابه ی شواهد مفید و قانع کننده تری نسبت به سایر نمایش ها: « شهامت گالیله»، « کوریولاموس» و « آدم خوب سزوان» در نظر گرفته شوند. نمایش های آموزشی علیرغم تعریف و « مادر تمجیدهای عوامل تئاتر از سال های 1970 هنوز هم محل مناقشه اند و عده ای با استناد به همین نمایش ها مدعی هستند که نمی توان برشت را فیلسوف یا نظریه پرداز سیاسی به حساب آورد. این خودآگاهی های کاذب و حملات دیوانه وار به آثار برشت در واقع ارزش های ذاتی نوشته های برشت را آشکار می کنند. نمایش های آموزشی دارای ساختار سقراطی، دینامیک و دیالکتیکی هستند و به گمان من بهترین خدمت را به پروژه ی اسکیرز خواهند کرد.

در خاتمه اگر بخواهم از زبان داروین در منشاء انواع برای وصف کار اسکیرز استفاده کنم باید بگویم که کتاب اسکیرز « نوع اولیه» ای است که با شهامت و جسارت تمام نوشته شده و لازم است تلاش های بیشتری برای خلاص کردن صنعت برشت از دست جیره خوارانش انجام گیرد.